

بررسی حکم فقهی حجاب استایل

اسماعیل بهرامی^۱

چکیده

یکی از چالش‌های نوظهور در حوزه پوشش بانوان، حجاب استایل است. حجاب استایل سبک خاصی در لباس و پوشاک است. درواقع این نوع حجاب، بر روی خاص بودن و جذابیت بصری متمرکز است؛ ازاین رو ضروری است که حکم فقهی آن معلوم شود. مقاله حاضر کوشیده است تا با روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای، به بررسی حکم فقهی آن بپردازد. آنچه این تحقیق بدان دست یافته، این است که حجاب استایل اگرچه به حسب ظاهر دارای حدود و ثغور پوشش شرعی است، یعنی به جز وجه و کفین، همه مواضع بدن پوشیده است؛ ولی این نوع پوشش، محکوم به حرمت است. این حکم با بررسی آیه ۳۱ سوره نور «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» و آیه ۳۳ سوره احزاب «وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ» و با بررسی مذاق شارع در باب پوشش و مسائل مربوط به رابطه زنان با مردان و نیز بررسی تلازم این نوع پوشش با حرام، به دست آمده است. در این مقاله، بعد از بیان مقدمات و تعریف حجاب استایل و مقومات آن، به بررسی حکم فقهی آن بر اساس مستندات مذکور پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: حجاب استایل، حرام، ذوق شارع، زینت، تبرج، تلازم.

۱. طلبه سطح سه (عمومی) و مدرس حوزه علمیه امام صادق (ع)، کرج، ایران؛

esmaeilbahram6778@gmail.com

۱. مقدمه

۱-۱. تبیین مسئله

بدون تردید، حجاب و پوشش برای زن، از ضروریات و مسلمات دین است. پوشش زنان فی‌الجمله به ادله چهارگانه قرآن، سنت، اجماع و عقل، واجب است. این حکم، از احکام اختصاصی زنان بوده (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۳، ص ۳۶۴) و در همه ادیان و مذاهب الهی مورد تأکید قرار گرفته است (شوکتی و حاجی قاسم‌لو، ۱۳۹۰). یکی از چالش‌های امروز در مسئله حجاب، حجاب موسوم به استایل است. حجاب استایل پدیده‌ای نو ظهور است که در کنار حفظ حجاب، بر روی زیبایی و چشم‌نواز بودن تمرکز دارد. بنابراین شایسته است که حکم فقهی این نوع حجاب مورد بررسی قرار بگیرد؛ از این رو مقاله حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که حکم فقهی حجاب استایل چیست؟

۱-۲. پیشینه تحقیق

بنابر بررسی نگارنده، همه مقالاتی که در باب حجاب به تحریر درآمده است، بر روی اصل مسئله حجاب و بررسی ادله وجوب آن و یا کیفیت حجاب بر اساس آیات و روایات، یا بررسی آثار فردی و اجتماعی آن و یا تاثیر روانی آن در زن یا در جامعه، یا مربوط به کرامت بودن حجاب و یا بررسی حجاب در ادیان مختلف مورد تأکید قرار گرفته و تاکنون مقاله‌ای که حکم فقهی حجاب استایل را بررسی کرده باشد، نوشته نشده است.

۱-۳. ضرورت تحقیق

مسئله حجاب استایل از چالش‌های مهم حجاب در زمان ماست و بانوان بسیاری به این نوع حجاب گرایش پیدا کرده‌اند. بنابراین ضروری است که ماهیت، حدود و حکم فقهی و ادله آن مورد بررسی قرار بگیرد.

۱-۴. شیوه تحقیق

شیوه تحقیق حاضر، به روش کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی است؛ به این صورت

که با رجوع به منابع فقهی و تحلیل آیات و روایات، تلاش شده است تا حکم فقهی حجاب استایل معلوم گردد.

۱-۵. مفهوم‌شناسی حجاب استایل

حجاب استایل مرکب از دو کلمه عربی «حجاب» و کلمه لاتین «استایل» است. برای فهمیدن معنای آن باید هر دو واژه را مورد بررسی و کنکاش قرار دهیم. در کتاب المحيط فی اللغة چنین آمده است که حجاب، از واژه «حجب» به معنای مانع شدن، و کلمه حجاب، اسم است برای آن چیزی که بین دو چیز، حاجب و مانع می‌شود (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۱۴). این کلمه شش بار در قرآن کریم به کار برده شده که در همه موارد، به همین معنا استعمال گردیده است. کلمه حجاب واژه‌ای است که در طول تاریخ، نقل شرعی برای پوشش واجب زنان پیدا کرده و در کتب فقهی از این پوشش با عنوان «ستر» یاد شده است. حدود شرعی پوشش به اجماع همه علما، تمام بدن به جز صورت و تا میچ هر دو دست است (برجودی، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۲۵۹).

واژه استایل «style» واژه‌ای انگلیسی است که به معنای سبک، روش، سلیقه و مُد کردن به کار رفته است (دیکشنری مجازی آبادیس) و کاربرد آن فقط در دنیای مد نیست؛ بلکه این کلمه می‌تواند در لباس، موزیک، دکوراسیون و حتی زندگی نیز به کار گرفته شود (بی‌نا، ۲۰۲۰). بنابراین، مراد از حجاب استایل، سبک خاصی در لباس و پوشاک است. درواقع این نوع حجاب، بر روی خاص بودن متمرکز است به طوری که از دیگر لباس‌ها ممتاز شود و جذابیت بصری آن بیشتر باشد. بعضی، استایل را با مُد گره می‌زنند (میرزایی‌زاده، ۱۳۹۹) که به نظر می‌آید اشتباه باشد. استایل لزوماً مُد نیست؛ بلکه می‌تواند خلاف مُد باشد و آنچه مهم است ممتاز و ویژه بودن آن است.

۲. معیار استایل بودن حجاب

سؤال مهم در این باب این است که معیار استایل شدن یک حجاب چیست؟

حجاب استایل چه مشخصاتی دارد؟ از آنجاکه استایل، با ویژه بودن و ممتاز شدن عجین است، باید برای شناخته شدن حدود و ثغور این حجاب، ابعاد ممتاز و خاص شدن آن مورد بررسی قرار گیرد تا معلوم شود که چگونه یک حجاب و پوشش، ممتاز و خاص می‌شود؟ باتوجه به اینکه حجاب استایل، بر روی خاص بودن متمرکز است و خاص بودن یک حجاب، به جذابیت بصری آن است، به نظر می‌آید که خاص بودن یک لباس و ممتاز شدن آن، به رنگ و مدل و زینت‌های آن و حتی به اندازه آن وابسته است؛ از این رو در مجله وقت مدّ چنین گفته شده است:

«یکی از مهم‌ترین اِلِمان‌هایی که در مد و استایل دخترانه شما بسیار تأثیرگذار است، انتخاب رنگ، مدل و حتی سایز لباس زنانه است. استفاده از استایل دخترانه مناسب می‌تواند شما را زیباتر و جذاب‌تر از همیشه نشان دهد و یا پرستیژ شما را خراب کند» (مجله وقت مد، مد و استایل زنانه).

در دنیای مدّ و استایل، رنگ‌ها نقش مهمی دارند و استفاده از برخی رنگ‌ها در افراد پیرامون انسان تأثیرگذار است. در دنیای روان‌شناسی، از تأثیر این رنگ‌ها بسیار سخن گفته شده است (همان). همچنین مدل لباس، تأثیر بسزایی در جذاب شدن دارد. مدل و اندازه، دارای گونه‌های متفاوتی است، ولی در باب حجاب استایل به طور طبیعی، گرایش به اندامی بودن پوشش وجود دارد؛ زیرا در غیر این صورت، جذابیت خود را از دست خواهد داد.

قبل از ورود به بحث، ذکر دو نکته ضروری به نظر می‌رسد: الف) باتوجه به نوظهور بودن مسئله حجاب استایل، در کتاب‌های فقهی اثری از آن نیست و برای موضوع‌شناسی آن، بیشتر ارتکازات ذهنی مستند شده است. ب) حکم حجاب استایل باتوجه به عرف آن می‌تواند تغییر کند. مثلاً در کشوری مانند اندونزی یک حکم داشته باشد و در کشوری مانند ایران حکمش تغییر کند و این به جهت اختلاف عرف است که در حکم تأثیرگذار است.

۳. حکم فقهی حجاب استایل

در فرهنگ اسلام، حجاب نوعی پوشش شرعی در مقابل نامحرم است. وجوب حجاب برای بانوان در مقابل نامحرمان، امری مسلم و مورد اتفاق فقها است؛ اما حدود و ثغور آن، مورد اختلاف قرار گرفته است. یکی از چالش‌ها در باب حجاب در این زمان، حجاب استایل است. آیا حجاب استایل مباح است یا حرام؟ اگر حرام است دلایل فقهی آن چیست؟ به نظر نگارنده، حجاب استایل حرام است و مستندات فقهی آن عبارتند از: حرمت ابداء زینت، مبتنی بر آیه ۳۱ سوره نور و حرمت تبّج که در آیه ۳۳ سوره احزاب آمده است و نیز بررسی ذوق شارع در باب مسائل مربوط به زنان و تلازم حجاب استایل با حرام.

۳-۱. بررسی حکم حجاب استایل بر اساس آیه ۳۱ سوره نور

آیه ۳۱ سوره نور، یکی از آیات مهم در باب حجاب است که همیشه مورد توجه فقیهان بوده است و می‌تواند در بررسی حکم حجاب استایل بسیار راه‌گشا باشد. آنچه از این آیه مدّ نظر است، جمله «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» می‌باشد.

با تفکّر در آیه می‌توان دریافت که اصل اولیه در رابطه با زینت‌های بانوان نسبت به نامحرمان، پوشش و استتار است. از این رو، در «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» ابتداءً از ابداء هرگونه زینتی نهی می‌کند و سپس «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» را از آن استثناء می‌نماید؛ زیرا مستثنی‌منه همیشه شمولیت دارد و برای همین، استثناء بعد از آن صحیح است. براین اساس می‌توان گفت که مراد از کلمه «زینت» که متعلق عدم ابداء قرار گرفته، عموم زینت است و هر زینتی را دربرمی‌گیرد. مؤید این مطلب آن است که در کتاب کافی بابی است به نام «بَابُ مَا يَحِلُّ النَّظَرُ إِلَيْهِ مِنَ الْمَرْأَةِ». همچنین میان فقها در مورد موارد استثناء، اختلاف واقع شده است.

إبداء زینت به حکم قرآن حرام است و از طرف دیگر، زینت ظاهری مباح است و هیچ‌یک از فقها در این دو حکم اختلافی ندارند؛ زیرا «لَا يُبْدِينَ» در مقام نهی است و

همان طور که در علم اصول ثابت شده است، نهی ظهور در حرمت دارد (مظفر، ۱۳۸۷، ص ۱۱۶ و بجنوردی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۳۹). بنابراین «لَا يُبْدِينَ» دلالت بر حرمت می‌کند و استثنا از نهی، دلالت بر اباحه می‌کند.

نکته مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که یک قرینه لَبّی در اینجا وجود دارد و آن اینکه حکم حرمت ابداء زینت، مخصوص به جایی است که ناظر غیر محرمی حضور داشته باشد و الا اگر ناظر غیر محرمی نباشد، حکم حرمت منتفی خواهد بود. در بحث حجاب استایل باید دید که این حجاب، زیرمجموعه مستثنای منه «زَيْنَتُهُنَّ» قرار می‌گیرد تا مشمول حکم عدم ابداء شود یا اینکه زیرمجموعه مستثنای «مَا ظَهَرَ» قرار می‌گیرد تا مشمول حکم اباحه قرار گیرد؟ از این رو شایسته است ابتدا واژه «زینت» و مصادیق آن و مراد از «مَا ظَهَرَ» روشن شود تا حکم فقهی این نوع حجاب معلوم گردد.

در معنای واژه «زینت» که در این آیه به کار رفته، بین مفسران اختلاف است. بعضی گفته‌اند مراد از «زینت»، خود زینت است؛ یعنی همان زیورآلات، از قبیل بازوبند و گوشواره و دستبند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۴۰؛ فاضل مقداد، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۲۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۳۰ و آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۹، ص ۳۳۵). صاحب کنز العرفان توضیح داده است که اگر نظر کردن به زینت‌ها مباح بود، راه نظر به مواضع آنها نیز فراهم می‌شد و آلوسی در توضیح کلام خود می‌گوید که دلیل ذکر زینت به جای مواضع آن، مبالغه در پوشاندن است. بعضی دیگر از مفسرین گفته‌اند که مراد از «زینت»، مواضع آن است که در این صورت اطلاق واژه «زینت» بر مواضع، از باب مجاز خواهد بود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۱۱۲؛ مقدس اردبیلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۴۳ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۱۷). از نظر فخر رازی، زینت اطلاق می‌شود بر محاسن خلقت و هر چیزی که انسان خود را به آن زینت می‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۳، ص ۳۶۴). صاحب الفرقان نیز گفته است که مراد از زینت، هیئت خاصی از زینت کردن است (صادقی طهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۱، ص ۱۰۹).

از دیدگاه این پژوهش، معنای «زینت» عبارت است از هر چیزی که باعث حسن و زیبایی بشود. زینت می‌تواند معنوی باشد؛ مانند علم و اخلاق حسنه و می‌تواند غیرمعنوی باشد. غیرمعنوی می‌تواند بدنی باشد؛ مانند موی زیبا و چشمان درشت و می‌تواند خارجی و عارضی باشد؛ از قبیل زیورآلات و یا از قبیل لباس. همچنین غیرمعنوی می‌تواند ظاهری باشد؛ مثل انگشتر و می‌تواند باطنی باشد؛ مثل گوشواره. همچنین زینت می‌تواند هیئت خاصی از ترکیب چند چیز باشد. همه این موارد چون باعث زیبایی می‌شوند، واژه زینت بر آنها اطلاق می‌شود. مؤید این معنا، کلام اهل لغت و آیات و روایات است. در کتاب العین آمده است: «الزَّيْنَةُ جَمْعُ لِكُلِّ مَا يُتَزَيَّنُ بِهِ» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۳۸۷). همین عبارت، در لسان العرب به صورت صریح‌تر آمده است: «الزَّيْنَةُ إِسْمٌ جَمْعٌ لِكُلِّ مَا يُتَزَيَّنُ بِهِ» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۲۰۲). همان طور که مشهود است کلام ایشان به گونه‌ای است که جامع همه موارد مذکور است. در مقائیس اللغة آمده است: «الزَّاءُ وَالْيَاءُ وَالنُّونُ أَصْلٌ صَحِيحٌ يَدُلُّ عَلَى حُسْنِ الشَّيْءِ وَتَحْسِينِهِ» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴۱). در هریک از کتب مفردات و التحقيق به بعضی از موارد مذکور اشاره شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۸۸ و مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۳۷۵).

کلمه زینت، در قرآن بر ایمان اطلاق شده که امری معنوی است: «حَبَبَ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ» (حجرات: ۷). همچنین بر امور خارجی: «مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ» (أعراف: ۳۲) و نیز بر هیئت زیبا اطلاق شده است: «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ» (قصص: ۷۹).

باتوجه به شواهد مذکور معلوم می‌شود: زینت به معنای هر چیزی به کار رفته است که باعث زیبایی گردد و شامل هر نوع زینت ظاهری و باطنی و مادی و معنوی فردی و ترکیبی و عارضی و غیرعارضی است. از آنجاکه به شهادت عرف، حجاب استایل یک نوع زیبایی ظاهری محسوب می‌شود و اضافه بر آن، چنان‌که قبلاً گفته شد، در این نوع پوشش، از زینت‌های عارضی خاصی از قبیل مُدَل و نوع دوخت و... استفاده می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که این نوع حجاب در ابتدا، مشمول حکم عدم ابداء می‌شود.

شاید کسی گمان کند که حجاب استایل زیرمجموعهٔ زینت ظاهری است؛ زیرا زن، خود را با هر حجابی که بپوشاند، آن پوشش، ظهور قهری دارد و فی نفسه ظاهر است و هر چیزی که ظهور قهری و فی نفسه داشته باشد، به طور قطع زیرمجموعهٔ «مَا ظَهَرَ» قرار می‌گیرد تا تکلیف به مالایطاق لازم نیاید؛ چراکه نبودش مستلزم عریان شدن زن خواهد بود که مفسده‌اش بیشتر است. در جواب گفته می‌شود درست است که این نوع پوشش فی نفسه ظاهر است و هر پوششی نیز دارای زینتی طبیعی است، اما در حجاب استایل، زینت آن از حدّ طبیعی و عادی خارج شده و مزین به زینت‌های عارضی مختلفی گشته است؛ از این رو نمی‌توان ظهور زینت آن را قهری و طبیعی دانست. دلیل آن نیز عرف و ارتکاز ذهنی است؛ زیرا آنچه در عرف و اذهان ارتکاز دارد این است که حجاب‌های استایل، نوعی زینت و جذابیت هستند و متشرعین، بانوان خود را از این نوع پوشش پرهیز می‌دارند.

۲-۳. تبرّج بودن حجاب استایل

یکی از اصطلاحات مربوط به حوزه پوشش بانوان، تبرّج است. این واژه در دو آیه از قرآن به کار رفته است. اصل این عنوان، از آیه ۳۳ سوره احزاب گرفته شده^۱ که خطاب به همسران پیامبر خدا ﷺ است، ولی تمامی قرآن پژوهان و فقها تصریح دارند که حکم آن مخصوص همسران ایشان نیست، بلکه همهٔ زنان مسلمان را شامل می‌شود.

تبرّج از «برج» به معنای ظهور و جالب بودن و دارای برتری است. پس هر چیزی که ظاهر و جالب و دارای برتری باشد، به طوری که جلب نفوس به خود کند، برج نامیده می‌شود. از همین باب، به قصرهای مرتفع و خانه‌های عالی، برج گفته می‌شود. تبرّج نیز موافق با همین معناست و هرگاه زنی خودنمایی کند، به طوری که برتری خود را اثبات و جلب نفوس نماید، به آن تبرّج گفته می‌شود. پس «وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» بدین معنا خواهد بود که زنان تظاهر نکنند و جلب نفوس مردان ننمایند. شایان یادآوری

۱. «وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى».

است که تظاهر در هر شیء به حسب خود شیء است؛ بنابراین تظاهر در زن، شامل هر سخن و رفتار و راه رفتن و نگاه کردنی خواهد بود که باعث جلب نفوس بیگانگان شود. پس هر حرکت و سکون که جلب نظر بیگانگان کند و مقتضی نفوذ در نفوس آنها باشد، تبرج منهی عنه خواهد بود (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۲۴۲-۲۴۳).

تبرج بردگونه است: ۱. تبرج مجاز، مانند تبرج زن در برابر همسریا محارم به شرط عدم ریه یا در برابر کودک یا دیگر زنان. ۲. تبرج حرام، مانند تبرج زن مسلمان در برابر بیگانگان، به این صورت که محاسن و زینت خود را در برابر آنها آشکار کند. مستند حرمت، آیات و روایات ناهیه هستند (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳، ج ۲۴، ص ۱۴۶-۱۴۷). بنابراین، فقها بنا بر آیات و روایات، تبرج را حرام شمرده‌اند. براین اساس هرگونه عملی که زن به منظور خودنمایی انجام دهد تا نظر بیگانه را به خود جلب کند، حرام است؛ اگر چه مصادیق آن در عرف‌ها و زمان‌های مختلف می‌تواند تغییر کند. سیفی مازندرانی می‌نویسد:

هر چیزی که با غرض جلب توجه بیگانه و تهییج و برانگیختن شهوت و انداختن او در دام حرام انجام شود حرام است. فرقی ندارد این کارها به وسیله نوع پوشش و جوراب باشد یا نوع راه رفتن و سخن گفتن و خندیدن و مانند اینها از اموری که زن در مقابل نامحرم خونمایی کند؛ زیرا این فعل زن، در حکم دعوت عملی برای گناه است (سیفی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۶۳).

نکته قابل توجه آن است که تبرج در مقابل حجاب نیست، بلکه در مقابل عفاف است. رابطه تبرج با حجاب، به صورت «عموم و خصوص من وجه» است؛ یعنی گاهی عنوان حجاب، محقق است بدون تبرج و گاهی تبرج، محقق است بدون حجاب و گاهی هر دو در یک مورد جمع می‌شوند.

با این توضیحات می‌توان گفت که حجاب استایل حرام است؛ زیرا به شهادت عرف، از مصادیق تبرج می‌باشد. همان طور که قبلاً بیان گردید، حجاب استایل بر روی زیبایی و جلب نظر متمرکز بوده و در ذات آن، تزیین و زیبایی اشباع شده است. در

حجاب استایل، حتی اگر حدّ و حدود شرعی رعایت شده باشد، ولی به جهت جذّاب بودن و جلب نظر بیگانگان، از مصادیق تبّرج به شمار می‌رود و مشمول حکم حرمت تبّرج خواهد بود.

۳-۳. بررسی حکم حجاب استایل بر اساس مذاق شارع

یکی از ادله‌هایی که فقیهان در رسیدن به حکم الله، از آن بهره می‌گیرند، مذاق شارع است.^۱ این اصطلاح اولین بار توسط صاحب جواهر ابداع و به عنوان دلیل مطرح شد (حکمت‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۳) و بعد از ایشان، دیگر فقیهان از آن به عنوان دلیل^۲ یا مؤید استفاده کردند. مذاق شارع آن است که فقیه با نگاهی جامع به آیات و روایات یک باب، ذوق شارع در آن باب را به دست می‌آورد و بر اساس آن فتوا می‌دهد. بسیاری از فقیهان، در رسیدن به حکم یا مفهومی دینی، از این روش بهره برده‌اند.

به عنوان نمونه، مرحوم کاشف الغطاء در شرح بر عروة، در باب معیار فقیر بودن می‌گوید: «کسی که عالم به حرفه و صنعتی باشد، ولی از آن استفاده نکند را نمی‌توان فقیر نامید و اعطای زکات به او جائز نیست، بلکه اعطای زکات به او موجب تعطیل شدن کار و ترویج بیکاری می‌شود و چه بسا خود این امر از بزرگ‌ترین حرام‌ها باشد برای کسی که عارف به ذوق شارع حکیم باشد» (یزدی، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۱۰۰). همچنین آیت الله سبحانی در باب رقبه می‌گوید: «آنچه معلوم است از مذاق شارع، ترویج عتق و تقلیل عتق است» (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۴، ص ۵۴). شهید صدر نیز در مسئله تفویت اختیاری تکالیف می‌نویسد: «آنچه ما از ذوق شارع می‌دانیم، حرمت تفویت اختیاری و طولانی

۱. گاهی نیز از آن تعبیر به ذوق شارع و ذوق شرع و مذاق شرع و ذوق شریعت و روح شریعت می‌شود.
 ۲. مثلاً صاحب جواهر در موردی اینچنین می‌گوید: «يمكن دعوى العلم من مذاق الشرع» (نجفی، ۱۳۹۲، ج ۴۰، ص ۳۸۷) یا مرحوم آیت الله سید مصطفی خمینی درباره حکمی می‌نویسد: «لكن المسئلة قطعية لان مذاق الشرع معلوم فيها» (ر.ک: خمینی، ۱۴۱۸، ص ۳۴۸). در منابع نیست در جای دیگر می‌نویسد: «للعلم بان مذاق الشرع برىء من هذا النحو من الكتب» (همان، ص ۴۷۳). امام خمینی نیز درباره حکمی می‌نویسد: «المقطوع من مذاق الشارع عدم امضاء تلك المعاملات» (خمینی، ۱۴۱۰، ص ۱۱۳).

در عبادات است؛ به طوری که شخص از به جا آوردن تکلیف در چند روز یا ماه یا سال عاجز شود» (صدر، ۱۴۳۳، ص ۱۱۵).

بنابراین، از منظر بسیاری از فقها، مذاق شارع می تواند مستند حکم قرار گیرد. البته برخی از فقها آن را به عنوان دلیل تلقی نکرده (علیدوست و عشایری منفرد، ۱۳۸۸، ص ۳۲) و تنها آن را به عنوان مؤید پذیرفته اند. از نظر نگارنده، مذاق شارع می تواند مستند حکم قرار گیرد؛ زیرا مذاق شارع، همان اراده تشریعی پروردگار است که از مجموع خطابات شارع در موضوعات مختلف استظهار شده و در علم اصول ثابت شده است که ظواهر حجت هستند؛ پس مذاق شارع نیز حجت است. به دست آوردن ذوق شارع از مجموعه روایات یک باب، یک نوع ظهورگیری خاص است، لکن نه از یک روایت در موضوع خاص؛ بلکه از روایت های بسیاری در موضوعات مختلف ظهورگیری می شود و مذاق شارع به دست می آید.

در باب حجاب نیز با رجوع به آیات و روایات می توان به ذوق شارع در این باب دست پیدا کرد و بر اساس آن، حرمت حجاب استایل را مشخص نمود. با بررسی آیات و روایات درباره نوع پوشش و رابطه زن و مرد درمی یابیم که شارع در این زمینه سخت گیری های زیادی کرده که بعضی از آنها و لو به صورت کراهت است (و حرمت را ثابت نمی کند)، اما می تواند برای ما مذاق شارع را مشخص کند. مثلاً می گوید: «جایی که زن نامحرم نشسته است، تا موقعی که محل آن گرم است، مرد در آنجا ننشیند»^۱ (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۶۷)؛ «پشت سر شیر حرکت کن، ولی پشت سر زن حرکت نکن»^۲ (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۷۵)؛ «هیچ مردی با زنی خلوت نکند مگر آنکه سومین آنها شیطان خواهد بود»^۳ (همان، ص ۲۶۲)؛ «زن ها از میان کوچه راه نروند»^۴ (همان، ص ۲۶۴)؛

۱. «إِذَا جَلَسَتِ الْمَرْأَةُ مَجْلِسًا فَقَامَتْ عَنْهُ فَلَا يَجْلِسُ فِي مَجْلِسِهَا أَحَدٌ حَتَّى يَبْرُدَ».

۲. «قَالَ دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَنْبَغُ امْرَأَتِي خَلْفَ الْأَسَدِ وَالْأَسَدُ لَا تَمُشُّ خَلْفَ الْمَرْأَةِ».

۳. «لَا يَخْلُوَنَّ رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ فَإِنَّ ثَالِثَهُمَا شَيْطَانٌ».

۴. «أَنَّهُ نَهَى النِّسَاءَ أَنْ يَسْلُكْنَ وَسَطَ الطَّرِيقِ».

«پیامبر خدا ﷺ از سخن گفتن با زنان نامحرم نهی کرده است»^۱ (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۱۴)؛ «برحذر باشید از نگاه کرده به زنان؛ زیرا نگاه کردن به ایشان، بذر شهوت را در دل می‌رویاند و برای به فتنه انداختن صاحبش کفایت می‌کند»^۲ (مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۰۸)؛ «صدای خود را در هنگام سخن گفتن با مردان، نازک نکنند تا کسی در ایشان طمع نکند»^۳ (احزاب: ۳۲)؛ «اگر زنی خود را معطر کند و بر مرد می‌بگذرد که بوی او را دریابد، زناکار است»^۴ (پابنده، ۱۳۸۲، ص ۱۸۸) و یا اینکه در روایت آمده است که فقط به «وجه» و «کفین» و «قدمین» زنان می‌شود نگاه کرد^۵ (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۰۱) آن هم مشروط به عدم ریبه و لذت و عدم خوف وقوع در حرام (فاضل موحدی لنگرانی، ۱۴۲۱، ص ۳۸) و یا اینکه در روایت آمده است: «امام علی علیه السلام به زنان جوان سلام نمی‌کردند تا از تأثیر صدای نازک آنها در خود جلوگیری کند»^۶ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۴۸).

همه این موارد حاکی از حساسیت مسئله در این حوزه و سخت‌گیری شارع در مورد ارتباط زن و مرد است. زن و مرد همیشه به لحاظ طبیعتشان، برای یکدیگر جذاب هستند و از یکدیگر تأثیر و تأثر دارند و شارع با تشریع احکام خود خواسته است این نسبت و رابطه را کنترل و مدیریت کند. بدون شک حجاب استایل به لحاظ جذاب بودن و جلب توجه بیگانگان، با روح این روایات در تعارض است و شارع با این همه سخت‌گیری در این باب، نمی‌تواند راضی به این نوع پوشش برای زنان در جامعه باشد. بنابراین، حجاب استایل با ذوق شارع که از مجموعه روایات مربوط به حوزه زنان به دست آمده است، منافات دارد و بر همین اساس می‌توان گفت حجاب استایل، حرام است.

۱. «أَنَّهُ نَهَى عَنْ مُحَادَثَةِ النِّسَاءِ يَعْني غَيْرَ ذَوَاتِ الْمَحَارِمِ».
۲. «إِيَّاكُمْ وَ النَّظْرَةَ فَإِنَّهَا تَزْرَعُ فِي قَلْبِ صَاحِبِهَا الشَّهْوَةَ وَ كَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا قِشَّةً».
۳. «فَلَا تَخْضَعَنَّ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ».
۴. «إِذَا اسْتَعْطَرَتِ الْمَرْأَةُ فَمَزَّتْ عَلَى الْقَوْمِ لِيَجِدُوا رِيحَهَا فِي زَانِيَةِ».
۵. «قُلْتُ لَهُ مَا لِلرَّجُلِ أَنْ يَرَى مِنَ الْمَرْأَةِ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهَا بِمَحْرَمٍ قَالَ الْوَجْهَ وَ الْكَفَّيْنِ وَ الْقَدَمَيْنِ».
۶. «كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يُسَلِّمُ عَلَى النِّسَاءِ وَ كَانَ يَكْرَهُ أَنْ يُسَلِّمَ عَلَى الشَّائِيَةِ مِنْهُنَّ وَ يَقُولُ أَخْشَوْفُ أَنْ يُعْجِبَنِي صَوْتُهَا فَيَدْخُلَ عَلَيَّ أَكْثَرُ مِمَّا أَظْلُبُ مِنَ الْآخِرِ».

۴. تلازم حجاب استایل با حرمت (یا مقدمه حرام بودن حجاب استایل)

یکی از أدله‌ای که فقها برای اثبات وجوب یا حرمت از آن بهره می‌برند، مسئله تلازم بین ذی‌المقدمه و مقدمه آن است. در باب ملازمات عقلیه، بسیاری از فقها معتقدند که عقلاً مقدمه واجب یا حرام، واجب یا حرام است؛ یعنی بین وجوب و حرمت و مقدمه آنها، عقلاً تلازم برقرار است؛ زیرا بین حکم شیء و مقدمه آن عقلاً تلازم برقرار است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۴۵۲). حال آیا این حرمت یا وجوب را می‌شود به شرع اسناد داد؟ به عبارت دیگر آیا می‌توان گفت مقدمه‌ای که عقلاً واجب یا حرام است، شرعاً نیز واجب یا حرام است؟ برخی مانند آیت‌الله مکارم شیرازی آن را حرام می‌دانند و برای آن نمونه‌های زیادی در شرع ذکر کرده‌اند؛ مانند وجوب قصر صلاه برای کسی که سفرش معصیت باشد یا ملعون بودن کشاورز و سازنده شراب و تهیه‌کننده آن (همان، ج ۱، ص ۴۲۸). بر همین اساس می‌توان گفت اگر حجاب استایل، مقدمه به حرام افتادن باشد، حرام خواهد بود. حال باید دید که آیا حجاب استایل، مقدمه حرام است یا خیر؟ بنابر حکمت بالغه خداوند، در طبیعت زن و مرد، نوعی گرایش و تمایل و نیاز روحی به یکدیگر نهادینه شده است که همین امر موجب ازدواج و به تبع، بقای نسل و در نتیجه، تداوم حیات بشر می‌شود. آنچه از آموزه‌های اسلام به دست می‌آید این است که این گرایش و نیاز باید مدیریت شود؛ یعنی در صورت فراهم بودن شرایط، ازدواج به هنگام و در غیر این صورت، خوشتن‌داری و عفت و روزه گرفتن را سیره خود قرار دهد. اسلام هرآنچه را که باعث تهییج زن و مرد شود و آنها را از مسیر عادی خارج کند و موجب اختلال در امر ارتباط زن و مرد بشود، حرام دانسته است.

از دلایل حرمت نظر به نامحرم می‌توان استفاده کرد که آنچه موجب حرمت نظر به نامحرم شده است، تهییج مردان و کاشته شدن بذر شهوت در دل آنها و ایجاد تخیلات فاسد و انحراف جنسی است. امام رضا (ع) می‌فرماید: «نظر کردن به موهای زنان شوهردار و غیر آنها، حرام است به جهت آنکه این امر، موجب تهییج مردان می‌شود

و آنها را به فساد و دخول در حرام می‌کشاند و همچنین هرآنچه شبیه موی آنان باشد (در اینکه موجب تهییج و فساد باشد)^۱ (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۹۸).

در این روایت، امام رضا علیه السلام صراحتاً دلیل حرمت نظر به موی زنان و هر چیز دیگری از متعلقات زنان را، تهییج مردان و فراهم شدن زمینه فساد جنسی معرفی کرده است. از این روایت می‌توان قاعده‌ای را استخراج کرد و آن اینکه هرآنچه موجب تهییج شود، حرام است؛ چنان‌که آیت الله مشکینی نیز این استفاده را کرده است^۲ (مشکینی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۱۸۴).

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «برحذر باشید از نظر کردن به آنچه از آن نهی شدید؛ زیرا این کار، موجب کاشته شدن بذر شهوت و افتادن در فسق می‌شود»^۳ (منسوب به جعفر بن محمد الصادق علیه السلام، ۱۴۰۰، ص ۱۰). مراد از کلمه «الْمَحْدُورَات» در این روایت، منظرهای حرام است. مؤید آن هم این است که در برخی نسخه‌ها، به صورت «الْمَحْدُورَات» خوانده شده است. همچنین سیاق روایت در ادامه آن همین مطلب را تأیید می‌کند. بنابراین در این روایت نیز تصریح شده است که سبب حرمت نگاه به زنان نامحرم، روییدن بذر شهوت و فراهم شدن زمینه فساد جنسی است.

سیره امام علی علیه السلام در سلام دادن چنین بود که به زنان جوان سلام نمی‌کردند و درباره علت آن می‌فرمودند: «می‌ترسم که صوت آنها إعجاب مرا برانگیزد، پس داخل شود بر من بیشتر از آن اجری که در طلبش بودم»^۴ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۴۸). معلوم است که این فعل امام، از باب تذکر به غیر است؛ چنان‌که ملاً صالح مازندرانی در شرح خود به آن اشاره کرده است (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱۱، ص ۹۹). درواقع امام می‌خواهند یادآوری کنند

۱. «حُرِّمَ النَّظَرُ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمُخْجَوَّاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَإِلَى غَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَ مَا يَدْعُو التَّهْيِيجُ إِلَيْهِ مِنَ الْفَسَادِ وَ الدُّخُولِ فِيمَا لَا يَحِلُّ وَ لَا يَحْتَمِلُ وَ كَذَلِكَ مَا أَشْبَهَ الشُّعُورَ».

۲. البته ایشان نهایتاً این روایت را تضعیف کرده و ادله نفی حرج را حاکم بر آن می‌دانند.

۳. «إِيَّاكُمْ وَ النَّظَرَ إِلَى الْمُخْجَوَّاتِ فَإِنَّهَا بَذَرُ الشَّهَوَاتِ وَ نَبَاتُ الْفُسْقِ».

۴. «كَانَ يَكْرَهُ أَنْ يَسْلَمَ عَلَى الشَّابَةِ مِنْهُنَّ وَ يَقُولُ أَتَخَوِّفُ أَنْ تَعْجِبَنِي صَوْتَهَا فَيَدْخُلَ عَلَيَّ أَكْثَرَ مِمَّا أُطْلَبُ مِنَ الْأَجْرِ».

که در سلام کردن به جنس مخالف، اگر جوان باشد بهتر است که پرهیز شود تا از لغزش در امان بماند؛ زیرا نفوس ضعیف با شنیدن صدای نازک زنانه دچار تخیلات فاسد می‌شوند و همین امر موجبات انحراف جنسی را فراهم می‌آورد.

از این بیانات آشکار می‌شود که غرض شارع از ایجاب حجاب و حرمت نظر به مواضع حرمت، جلوگیری از تهییج و انحراف است. پس هرگاه زن پوششی داشته باشد که مواضع حرام معلوم نباشد، ولی جذابیت مضاعفی را به همراه داشته باشد و باعث جلب توجه نامحرم و موجب تهییج آنها شود، حرام خواهد بود. براین اساس می‌توان گفت که حجاب استایل به جهت جذابیت ذاتی خود، جذابیت طبیعی زن را چند برابر می‌کند، باعث جلب توجه نامحرم می‌شود، بذر شهوت را در دل مردان می‌رویاند و زمینه تهییج و انحرافات جنسی آنها را فراهم می‌کند. به همین دلیل، حجاب استایل حرام است.

نتیجه‌گیری

از آنچه در این تحقیق گفته شد نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. حجاب استایل اگرچه به ظاهر دارای حد و حدود شرعی پوشش است، اما به جهت زینت‌های عارضی که دارد، زن را کانون توجه بیگانگان قرار می‌دهد.
۲. بر اساس آیه ۳۱ سوره نور، اظهار زینت برای زن حرام است. از آنجاکه فلسفه شکل‌گیری حجاب استایل بر همین اظهار زینت در قالب حجاب است، زیرمجموعه نهی «لَا تُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» قرار می‌گیرد و حرام است.
۳. بر اساس آیه ۳۳ سوره احزاب، تبرج مورد نهی قرار گرفته است و فقها نیز به تبع آن، تبرج را حرام اعلام کرده‌اند. تبرج یعنی خودنمایی کردن برای جلب نفوس دیگران. در این میان، حجاب استایل به شهادت عرف، از مصادیق تبرج به حساب می‌آید و حرام است.

یکی از دلایلی که فقیهان برای رسیدن به حکم، به آن تمسک می‌کنند، مذاق شارع است. از بررسی مجموع بیانات شارع در مورد شئون زنان به دست می‌آید که شارع در باب رفتار زنان و ارتباطشان با نامحرمان بسیار سخت‌گیری کرده است و باتوجه به آن سخت‌گیری چنین برمی‌آید که راضی به حجاب استتایل نباشد.

۴. بر اساس حکمت بالغه خداوند، گرایشی طبیعی میان زن و مرد وجود دارد که موجب بقای نسل است و این تمایل باید به طور صحیح مدیریت شود. هرآنچه که این گرایش را از مسیر طبیعی خود خارج کند (باتوجه به قاعده‌ای که در علم اصول ثابت شده که مقدمه حرام، حرام است) حرام می‌باشد. حجاب استتایل موجب تهییج مردان و زمینه انحراف جنسی را در جامعه ایجاد می‌کند، پس حرام است.



فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ ش)، الخصال، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. _____ (۱۳۷۸ ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان.
۳. _____ (۱۴۱۳ ق)، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵ ق)، دعائم الإسلام، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۵. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزیع.
۷. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۸. بجنوردی، سید حسن (۱۳۸۰ ش)، منتهی الأصول، تهران: مؤسسة العروج.
۹. بروجردی، سید حسین (۱۴۲۶ ق)، تبیان الصلاة (تقریرات درس صلاة آیت الله بروجردی)، قم: گنج عرفان.
۱۰. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲ ش)، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، تهران: دنیای دانش.
۱۱. جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۳ ق)، موسوعة الفقه الإسلامي طبقاً لمذهب أهل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
۱۲. حکمت نیا، محمود (۱۳۸۵ ش) «مذاق شریعت»، مجله حقوق اسلامی، ش ۹، تابستان، ص ۲۸-۱۱.
۱۳. خمینی، سید روح الله (۱۴۱۰ ق) البیع، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۴. خمینی، سید مصطفی (۱۴۱۸ ق) مستند تحریر الوسیله، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، مفردات ألفاظ القرآن، دارالقلم، بیروت، چاپ اول.
۱۶. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتاب العربی.

۱۷. سامانه دیکشنری آبادیس، <https://abadis.ir>.
۱۸. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۱۴ق)، **المختار فی احکام الخیار**، قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام.
۱۹. سیفی مازندرانی، علی اکبر (بی تا). **دلیل تحریر الوسيلة (النکاح)**، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی.
۲۰. شوکتی، آیت و حاجی قاسملو، فاطمه (۱۳۹۰ش)، «حجاب در ملل، ادیان و مذاهب»، نشریه زن و فرهنگ، ش ۷، بهار.
۲۱. صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق) **المحیط فی اللغة**، بیروت، ناشر: عالم الکتاب، چاپ: اول.
۲۲. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵ش)، **الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن**، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
۲۳. صدر، محمد (۱۴۳۳ق) **حکم القضاء فی مدارک فقه القضاء**، تحقیق مؤسسه المنتظر لإحياء تراث آل الصدر) قم: محبین.
۲۴. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۶. علی دوست، ابوالقاسم و عشایری منفرد، محمد (۱۳۸۸ش)، «استناد فقهی به مذاق شریعت در بوته نقد»، **مجله حقوق اسلامی**، ش ۲۲، پاییز.
۲۷. فاضل مقداد، جمال الدین مقداد بن عبدالله (۱۴۱۹ق)، **کنز العرفان فی فقه القرآن**، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، بی جا.
۲۸. فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۴۲۱ق)، **تفصیل الشریعه (النکاح)**، قم: مرکز فقه الأئمة الاطهار.
۲۹. فخرالدین رازی، عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، **مفاتیح الغیب**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق)، **کتاب العین**، قم: نشر هجرت.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، **الکافی (ط - الإسلامية)**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. مازندرانی، محمد صالح بن احمد (۱۳۸۲ق)، **شرح الکافی الأصول و الروضة**، تهران: المکتبه الاسلامیه.

۳۳. مجله اینترنتی فراسی دنیای مد و فشن، مد و استایل (۲۰۲۰م)، «دانستنی‌های دنیای مد و فشن، استایل چیست؟»؛ <https://www.modeworld.ir>.

۳۴. مجله وقت مد، «مد و استایل زنانه»، بی‌نا، بی‌تا؛ <https://vaghtemod.ir>.

۳۵. مشکینی، علی (۱۳۹۲ش)، *التعلیقة الاستدلالية على العروة الوثقى*، تحقیق: محمد حسین درایتی و ابراهیم طاهری کیا، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحديث سازمان چاپ و نشر.

۳۶. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۳۷. مظفر، محمدرضا (۱۳۸۷ش)، *أصول الفقه*، تعلیق: عباس علی زارعی، قم: بوستان کتاب.

۳۸. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *الأمالی*، قم: کنگره شیخ مفید.

۳۹. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی‌تا)، *زبدة البیان فی أحكام القرآن*، تهران: کتاب فروشی مرتضوی.

۴۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامية.

۴۱. _____ (۱۴۲۸ق)، *انوار الأصول*، تقریر: احمد قدسی، قم: مؤسسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.

۴۲. منسوب به جعفر بن محمد امام ششم علیه السلام (۱۴۰۰ق)، *مصباح الشریعة*، بیروت: نشر اعلمی.

۴۳. میرزایی زاده، طهورا، (۱۳۹۹ش)، «مدلینگ اسلامی از برجسب تا واقعیت! بازی مزون‌های حجاب در پازل سرمایه داری یا اسلامی؟»، *خبرگزاری دانشجو*، ۱۳۹۹/۰۸/۰۵، <https://snn.ir/003i6G>.

۴۴. نجفی، محمد حسن (۱۳۹۲ش) *جواهر الکلام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۴۵. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

۴۶. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ق)، *مجموعة ورام*، قم: مکتبه فقیه.

۴۷. یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۲۱ق) *العروة الوثقی* (عدة من الفقهاء، جامعه مدرسين)، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی